

بلا تکلیفی قانونی مشمولان متعهد

پروندهٔ نیمه‌باز معلمان متعهد خدمت

فاطمه قدیری خیرنگار

در کشورهایی که خدمت سربازی برای مردان قانونسی قطعی، عام و اجتناب‌ناپذیر است، هر تغییر کوچک در نسبیت میان وظیفه و نهادهای مدنی، می‌تواند سرنوشت هزاران نفر را تحت‌تأثیر قرار دهد. یکی از این تغییرات مهم در ایران، تصمیم سال‌های پس از انقلاب اسلامی برای استفاده از ظرفیت نیروهای متعهد خدمت در دستگاه‌هایی غیرنظامی، از جمله آموزش و پرورش بود؛ تصمیمی که در آن زمان، هم راهکاری برای جبران کمبود معلم بود و هم ابتکاری برای پیوند زدن خدمت سربازی با نیازهای حیاتی کشور. اما حالا، سال‌ها پس از اجرای این سیاست، تعداد قابل توجهی از مشمولان نظام متعهد خدمت، خود را در برنخ ناهماهنگی میان دودستگاه یعنی «ستاد کل نیروهای مسلح» و «وزارت آموزش و پرورش»؛ «بلا تکلیفی، بدون برگه اعزام، بدون استخدام رسمی و مهم‌تر از همه، بی‌پاسخ روشن می‌بینند. ماجرا از آنجا آغاز شد که بسا تصمیم دولت وقت، تربیت معلم و پذیرش دانشجو معلمان مشمول معافیت از اعزام به سر بازی شد، مشروط بر اینکه این افراد در قالب تعهد خدمت، پس از فراغت از تحصیل، به مدت مشخصی در آموزش و پرورش فعالیت کنند. بدین ترتیب، روندی قانونی شکل گرفت؛ داوطلب ورود به دانشگاه فرهنگیان، در زمان کنکور، تعهد می‌داد که پس از فارغ‌التحصیلی، به جای اعزام به سربازی، مدت زمان مشخص شده‌ای را در کلاس‌های درس سپری کند؛ با حقوقی محدود و وضعیت استخدامی‌ای که ماهیت آن تا امروز نیز چندان شفاف نیست.

«وقتی سربازی جای خود را به معلمی داد

در سال ۱۳۵۸، با تغییراتی بنیادین در ساختار خدمت وظیفه عمومی، دولت تصمیم گرفت بخشی از نیروهای وظیفه را در اختیار نهادهای غیر نظامی قرار دهد. در میان این نهادها، دانشگاه تربیت‌معلم (که امروز با عنوان دانشگاه فرهنگیان شناخته می‌شود) نقش ویژه‌ای یافت. مردانی که وارد این دانشگاه می‌شدند، موظف بودند در ازای دریافت معافیت از سربازی، هشت سال در آموزش و پرورش خدمت کنند؛ مفهومی که با عنوان «تعهد خدمت» شناخته می‌شود. به موجب این طرح، دانشجو معلمان متعهد می‌شدند به جای دو سال سربازی، هشت سال خدمت آموزش را بگذرانند. در طول این مدت، حق استعفا نداشتند و پس از پایان آن، مشمول دریافت کارت پایان خدمت می‌شدند. سیستمی که سال‌ها اجرا شد، بدون آنکه مشکلی جدی در فرایند آن دیده شود.

«روند تاریخی تغییر قانون

برای درک بهتر موضوع، لازم است نگاهی دقیق به قوانین خدمت نظام وظیفه و لایحه‌های مربوط به معافیت دانش آموختگان مراکز تربیت‌معلم بیندازیم. بر اساس مادهٔ ۴ قانون خدمت وظیفه عمومی، دوره خدمت سربازی شامل ۲ سال ضرورت است که کارت پایان خدمت یا معافیت صرفاً برای این

نهادهی مسئولیت ثبت‌نام یا پذیرش را قبول نمی‌کرد». به همین ترتیب بود که حلقه‌ای از بلا تکلیفی برای معلمان که نه از دوره آموزشی معاف بودند، نه در آن شرکت کرده بودند و نه امکان پیگیری شخصی داشتند، شکل گرفت.

«پایان تعهد، آغاز بحران

پس از گذشت هشت سال از خدمت آموزشی و در شرایطی که معلمان متعهد خدمت انتظار داشتند مانند گذشته کارت پایان خدمت خود را دریافت کنند، با شسوک بزرگ‌تری روبه‌رو شدند. نظام وظیفه در پاسخ به مراجعه‌کنندگان اعلام کرد: «به‌دلیل عدم گذراندن دوره آموزش نظامی، امکان صدور کارت پایسان خدمت وجود ندارد.» این در حالی بود که هیچ قصوری متوجه خود مشمولان نبود و صرفاً وزارت آموزش و پرورش از ایفای تعهد قانونی خود برای اعزام آنان سر باز زده بود.

«پاس‌کاری نهاده‌ا؛ هیچ‌کس مسئول نیست

شکایت‌ها آغاز شد؛ به دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و حتی دفتر فرماندهی نظام وظیفه. اما نتیجه‌ای حاصل نشد. یکی از معلمان متعهد خدمت در خصوص پیگیری‌ها توضیح داد: «در دیدار مردمی با فرمانده نظام وظیفه، به ما گفته شد که آموزش و پرورش مسئول است، چون ما اسامی را به آن‌ها داده‌ایم. وقتی به آموزش و پرورش مراجعه کردیم، گفتند از طرف نظام وظیفه هنوز چیزی ابلاغ نشده یا در حال پیگیری می‌کند.» این پاس‌کاری بین دو نهاد، حالا تبدیل به یک بحران جدی شده؛ بحرانی که زندگی صدها معلم را تحت‌تأثیر قرار داده است.

«سکوت نظام وظیفه ادامه دارد

در نهایت، با پیگیری‌های مستمر، ستاد کل نیروهای مسلح با صدور یک اعلامیه رسمی، اعلام کرد که «صدور کارت پایان خدمت برای این افراد بلا مانع است.» با این حال، نظام وظیفه هنوز از صدور کارت خودداری می‌کند. اظهارنامه‌ها بی‌پاسخ می‌ماند یا در پاسخ‌های کلیشه‌ای، افراد را به آموزش و پرورش ارجاع می‌دهند. آموزش و پرورش هم با ادبیاتی مبهم پاسخ می‌دهد: «در حال پیگیری هستیم، صبر کنید.» نتیجه این بلا تکلیفی، چیزی جز سال‌ها انتظار، از دست رفتن فرصت‌های شغلی و آینده‌ای مبهم نیست.

«فرصت‌هایی که سوختند

در میان این جمع، کسانی هستند که در آزمون وکالت یا قضاوت قبول شدند، اما به‌دلیل نداشتن کارت پایان خدمت، نمی‌توانند مراحل بعدی را طی کنند. کسانی که حتی پس از قبولی در آزمون استخدامی وزارت خارجه، از حضور در مصاحبه نهایی بازماندند. یکی از معلمان می‌گوید: «من سال گذشته در آزمون وزارت خارجه قبول شدم. اما چون کارت پایان خدمت نداشتم، نتوانستم مرحله بعدی را طی کنم. یک عمر آرزو و تلاش من از بین رفت.»

مدت صادر می‌شود. البته این قانون برای دانش آموختگان مراکز تربیت‌معلم استثنا قائل شده است؛ طبق لایحه مصوب سال ۱۳۵۸، فارغ‌التحصیلان پس از انجام تعهد خدمت (دو سال در آموزش و پرورش) باید کارت پایان خدمت دریافت کنند.

در سال ۱۳۹۰، اصلاحاتی در قانون انجام شد که وزارت آموزش و پرورش را موظف کرد فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت‌معلم را به دوره آموزشی سربازی اعزام کند. این دوره آموزشی شامل هزینه‌هایی بود که بر عهده فارغ‌التحصیلان گذاشته شد. اما وزارت آموزش و پرورش به دلایلی این اقدام را به تعویق انداخت و در پی توافقی با ستاد کل نیروهای مسلح، ورودی‌های سال‌های ۱۳۹۱ به بعد از حضور در این دوره معاف شدند.

سازمان نظام وظیفه نیز این توافق را در چندین ابلاغیه تأیید کرد، اما در سال ۱۴۰۲ ناگهان اعلام کرد که دیگر هیچ کارت پایان خدمتی برای این دو گروه صادر نخواهد کرد و تمامی مسئولیت‌ها را به وزارت آموزش و پرورش محول نمود.

«اصلاح قانونی که همه چیز را پیچیده کرد

یکی از دلایل اصلی توقف صدور کارت‌ها، ابلاغیه سازمان نظام وظیفه در مورخه ۱۴۰۲/۹/۱۴ است که همه توافقات پیشین را نقض کرده و مسیر را به سردرگمی کشانده است. این ابلاغیه به شکل مشخصی راه‌حلی ارائه نمی‌دهد و همه مسئولیت‌ها را به وزارت آموزش و پرورش واگذار می‌کند. وزارت آموزش و پرورش نیز پس از گذشت بیش از یک سال، هنوز راهکاری عملی ارائه نکرده و تنها اقدام اخیرش، ارائه فرمی اینترنتی برای جمع‌آوری اطلاعات وضعیت نظام وظیفه متعهدین خدمت بوده است.

از اینجا بود که همه چیز پیچیده شد. در حالی که قانون تکلیف را مشخص کرده بسود، در عمل، وزارت آموزش و پرورش بسه وظیفه خود برای اعزام مشمولان به دوره آموزشی سربازی عمل نکرد. بسیاری از معلمان متعهد، در دوران تحصیل خود در دانشگاه فرهنگیان، نه به انتخاب خود، بلکه به دلیل نارسایی و بی‌توجهی ساختاری در آموزش و پرورش، به هیچ‌وجه به آموزش نظامی اعزام نشدند.

ورودی‌های ۱۳۹۱ که نخستین گروه این دانش آموختگان به شمار می‌روند، در موقعیت بغرنجی قرار گرفته‌اند؛ آن‌ها پس از اتمام دوره دو سال تعهد خدمت، اقدام به دریافت کارت معافیت یا پایان خدمت کرده‌اند اما با پاسخ منفی سازمان نظام وظیفه مواجه شده‌اند.

«بلا تکلیفی معلمان متعهد

یکی از این معلمان، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «در دوره کارشناسی، برای اعزام به مراکز نظامی مراجعه کردیم، اما دفتر پلیس ۱۰۰ به‌صراحت گفتند که شما زیر نظر آموزش و پرورش هستید و بدون معرفی‌نامه آن وزارتخانه نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.» او ادامه می‌دهد: «حتی برخی دوستان ما شخصاً به دنبال اعزام رفتند، اما چون آموزش و پرورش اقدامی نکرد، هیچ

بررسی چرایی رجوع افراد به صفحات فال‌گیری، شیوه‌های جذب مشتری و پیامدهای روانی و اقتصادی آن

وقتی فال‌گیر جای تراپی را می‌گیرد

چون فرزندآوری از دیگر عواملی است که افراد را به سمت فال‌گیر ها می‌برد. این شرایط باعث می‌شود برخی از والدین نه نگرانی زیادی در خصوص آینده فرزندان دارند به فال‌گیر ها روی آورند.

مسائل شغلی و اقتصادی:

معمولاً دسته دیگر از افراد در مواجهه با چالش‌های شغلی و اقتصادی خود، روی به سمت فال‌گیرها می‌آورند. فال‌گیر ها با ترسیم و پیش‌بینی آینده شغلی افراد به پناهگاهی برای کسانی تبدیل می‌شوند که در مسیر شغلی و اقتصادی خود احساس سردرگمی یا ناکامی می‌کنند. افراد با رجوع به فال‌گیر ها سعی به پاسخی امیدبخش به این نگرانی و مشکل دارند.

حس کنجکاوی:

فال‌گیر ها با ادعای آنکه می‌توانند مهم‌ترین مسائل زندگی را پیش‌بینی کنند حس کنجکاوی بسیاری از مخاطبان خود را بر می‌انگیزند و این باعث می‌شود افراد حتی برای یک‌بار هم که شده به سمت فال‌گیر ها سوق پیدا کنند.

«فال‌گیر دقیقاً چکار می‌کند؟

عامل اصلی رجوع مردم به صفحات فال‌گیری، کارکردی است که فال برای آن‌ها دارد؛ اما فال‌گیر ها از چه فوئنی برای جذب و حفظ مشتری استفاده می‌کنند؟!

اطلاعات اولیه‌ای که فال‌گیر به شما می‌دهد، تغییر شکل‌یافته اطلاعاتی است که خود شما به آن‌ها داده‌اید. فال‌گیر آن اطلاعات را به شکل نو درآورده و در موقعیت مناسب به شما پس می‌دهد. فال‌گیر در هر مرحله تأیید شما را می‌گیرد تا شما به او حس اعتماد کنید، ایجاد حس اعتماد برای فال‌گیر بسیار اهمیت دارد؛ چراکه به‌واسطه حس اعتماد، به شما القا می‌کند که توانایی فهمیدن اتفاقات گذشته را دارد و می‌تواند از روی چند کارت و تـه یک فنجان ... آینده‌ات را بیان کند. فال‌گیر ها بیشتر از آنکه توانایی‌های ماورایی و قدرت خارق‌العاده‌ای داشته باشند روانشناس‌های خوبی هستند. اگر هم روانشناس نباشند به حدی تجربه دارند که می‌دانند با توجه به شخصیت شما چه حرفی را کجا بزنند و در برابر واکنش‌هایتان چطور عمل کنند که از ادامه فال ناامید نشوید و مبدا را هتان را برای همیشه از گرفتن فال جدا کنید. فال‌گیر ها ابتدا خیلی خوب به صحبت‌های شما گوش می‌دهند، سؤال‌های کلیدی می‌پرسند و آن چیزی که می‌خواهند بگویند را از صحبت‌های شما درمی‌آورند. آن‌ها سعی می‌کنند از کلیات بگویند و همین کلی‌گویی ترغذی ما رها نه است که سبب می‌شود شما در ذهنتان به دنبال مصادیق آن بگردید و دامن‌ان کلیات را به افراد، اشخاص یا چیزهای دیگر تعمیم بدهید؛ البته آینده‌ای که آن‌ها حدس می‌زنند چیز عجیب و معجزه‌گونه‌ای نیست، برای مثال می‌گویند: «از کسی که «الف و «ب» در اسمش دارد باید دوری کنی.»

«یکی از بستانگ نزدیکت به‌زودی به علت بیماری راهی دکتر می‌شود؛ اما جای نگرانی ندارد چون مسئله جدی‌ای نیست.»



سیدعلیرضا طاهری خیرنگار

«ز مستان سال گذشته بود با شریک عاطفی خود به مشکل اساسی‌ای برخوردہ بودم، دیگر نمی‌دانستم باید چه کنم، امکان آن را هم نداشتم با اطرافیانم در این رابطه مشورت کنم تا اینکه در صفحات مجازی با افرادی آشنا شدم که ادعا می‌کردند می‌توانند در خصوص فرد مدنظرم اطلاعاتی به من داده و آینده را به نحوی برایم پیش‌بینی کنند. بلافاصله به سراغ بست‌ها و محتواهای فرد صاحب پیچ رفتم و بعد از آنکه بازخورد‌ها را دیدم و حداقل اطمینانی از آن صفحه برایم ایجاد شد به او پیام دادم و با پرداخت هزینه‌ای، او برایم فال گرفت و اطلاعات فال‌م را به صورت ویس در اختیارم گذاشت. بعد از شنیدن فال‌م انگیزه پیدا کردم و اعتمادبه‌نفسی که از دست داده بودم را تا حدی کسب کردم. بعد از تجربه فال خریدنم، هرگاه دچار مشکلی می‌شدم به سراغ آن صفحه می‌رفتم و مجدد فال می‌گرفتم.»

این روایت یکی از هزاران مشتری فال‌هایی است که این روز‌ها در

شبکه‌های مجازی در اکسپلور هر فرد رزّه می‌روند. اما سؤال اساسی‌ای

که به وجود می‌آید این است که صفحات فال با چه روش‌ها و فوئنی

مشتریان را به خود جذب می‌کنند و افراد و مخاطبان این شبکه به چه

نحو به این صفحات اطمینان می‌کنند؟!

«کارکرد فال، عامل رجوع مشتریان

مخاطب صفحات پیش‌بینی، همه هستند. اما آن چیزی که افراد را از یک دنبال‌کننده به یک مشتری برای فال‌گیرها تبدیل می‌کند، کارکرد فال برای آنهاست. برخی از افراد به بن‌بست‌های سخت زندگی برخورد کرده‌اند و تا تمام راه‌حل‌های موجود دلد بریدل یا امیدی برای رهایی ندارند یا برخی دیگر به جهت بی‌قراری در روابط عاطفی به مشکل برخوردند اند یا افرادی که به جهت ابهام‌زدایی از آینده و انتخاب یک مسیر در لحظه سخت دوراهی‌ها قرار دارند و حتی افرادی که صرفاً به دلیل کنجکاوی، به سراغ فال‌گیران می‌روند و به مشتری آن‌ها تبدیل می‌شوند. معمولاً مشتری فال‌گیر ها را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد:

روابط عاطفی و تعاملات اجتماعی:

معمولاً یکی از عواملی که افراد را به سمت فال‌گیری می‌برد مسئله روابط عاطفی، مشکل در زناشویی، و دلدادگی‌هایی است که فرد در طول زندگی با آن مواجه می‌شود. به نظر این افراد، فال‌گیر از معدود افرادی است که توانایی دیدن آینده را دارد و فردی قابل اعتماد محسوب می‌شود. درواقع فال و فال‌گیر برای این افراد این امکان را فراهم می‌سازد تا از شکست‌ها و تهایی ناشی از شکست عشقی در مسیر زندگی خود و همچنین لحظات شاد و مبارک باهم بودن آگاه شوند.

فرزندآوری و آینده فرزندان:

در کنار نگرانی‌های عاطفی، مسائل مربوط به آینده فرزندان و موضوعی

باید در نظر داشت که چنین اتفاقاتی تنها برای یک یا دو نفر نیفتاده است و افراد زیادی قربانی این ترک‌فک و سوءمدیریت شده‌اند؛ همچنین در صورت نادیده گرفتن این مسئله و عدم پاسخ‌گویی، آموزش و پرورش می‌تواند در آینده نزدیک با یک بحران نیروی انسانی دیگر روبه‌رو شود.

«تردید و گمانه‌زنی‌ها!

عده‌ای از معلمان متعهد گمان می‌زنند که این تأخیر تعددی است. یکی از آن‌ها می‌گوید: «برخی باور دارند که آموزش و پرورش نمی‌خواهد ما کارت بگیریم، چون اگر کارت داشسته باشیم، می‌توانیم استعفا بدهیم و از آموزش و پرورش برویم. شاید به همین دلیل این تأخیر ادامه دارد تا ما از شرایط سنی خارج شویم و دیگر توانیم جایی استخدام شویم.» البته این دیدگاه تاکنون از سوی هیچ مرجعی تأیید یا رد نشده، اما وقتی نهادها سکوت می‌کنند، گمانه‌زنی و شایعات جای تحلیل می‌نشیند.

«بحران اعتماد در سایه قانون‌گریزی نهادهی

آنچه این مسئله را نگران‌کننده‌تر می‌کند، نه فقط آسیب‌های فردی، بلکه تزلزل در اعتماد عمومی به ساختار اداری کشور است. وقتی قانون مشخص است، ستاد کل مجوز می‌دهد و نهادهای اجرایی تعلل می‌کنند، تصور عمومی این می‌شود که مسئولیت‌پذیری از برخی دستگاه‌ها رخت پرسته است. یکی از کارشناسان حقوقی می‌گوید: «وقتی قانون می‌گوید این افراد باید آموزش نظامی ببینند و نهاد مشخصی موظف به معرفی آن‌هاست، عدم اجرای این بند قانون باید پاسخ‌گو داشته باشد. نمی‌توان گفت چون معرفی نشده‌اند، خودشان مقصرند. این خلاف اصول بدیهی مسئولیت اداری است.»

«درخواست روشن است؛ فقط اجرا کنید

اکنون صدها معلم متعهد خدمت، خواسته‌ای ساده به نام «اجرای قانون» دارند. ایمن معلمان نه معافیت می‌خواهند، نه امتیاز؛ فقط انتظار دارند همان‌گونه که در تعهدات خود برای آموزش نسل آینده ایران وفادار بودند، حالا ساختار اداری نیز به تعهد خود پایبند باشد. یکی دیگر از آن‌ها می‌گوید: «ما زندگی مان را صرف معلمی کردیم، زمان کرنا که کسی حاضر به تدریس حضوری نبود، خودمان را به سختی به حاشیه شهر می‌رساندیم تا دانش آموزان از تحصیل باز نمانند؛ و حالا و قشش است که دولت هم یک کارت پایان خدمت به ما بدهد، همین.»

«آزمونی برای نظم اداری

موضوع معلمان متعهد خدمت، آزمونی است برای نظم اداری. چالش میان نظام وظیفه و آموزش و پرورش، فراتر از یک مسئله اداری، تبدیل به یک بحران انسانی شده که می‌تواند اعتماد بسیاری از نیروهای جوان کشور را به‌طور جدی خدشه‌دار کند. آیا وقت آن رسیده که یکی از نهادهای مسئول، شجاعت به خرج دهد و این چرخه باطل را پایان بخشد؟

«به جای فال‌گیر برو تراپی!

به جز افرادی که صرفاً به جهت کنجکاوی به سراغ فال می‌روند معمولاً افرادی که مشتری فال‌گیر ها می‌شوند از اعتمادبه‌نفس کمی برخوردار هستند و شجاعت مواجهه با مشکلات و قدرت حل مسائل را ندارند، به همین دلیل به سراغ فال‌گیر هایی می‌روند که دام خود را با ادعای پیش‌بینی آینده و نوید عبور از مشکلات پهن می‌کنند. روایت‌های متعددی از افرادی می‌شود فرد تصور کند فال‌گیر دقیقاً وضعیت او را می‌شناسد و آینده‌اش را پیش‌بینی کرده است. درحالی‌که این کلی‌گویی‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که تقریباً برای هر کسی صدق می‌کنند.

«تو دیگر تصمیم‌گیرنده زندگی‌ات نیستی

جذابیت اصلی و شاید فریبنده صفحات فال و پیش‌گویی در این است که آینده را نه تنها از قید زمان و مکان، بلکه از قید محدودیت‌های هزینه و تلاش نیز رها ساخته است. تو باید یک جا بنشیني و با هزینه‌ای که کردی آینده پیش رویت را ببینی. جذابیت این اتفاق در این است که در دنیای واقعی، دستیابی به اهداف و یا حل مشکلات و ساختن آینده نیازمند صرف وقت، انرژی، هزینه و تحمل سختی‌ها و تلاش‌های فراوان است. اما در دنیای فال‌گیران که به اندازه ته یک فنجان است، آینده به امری دردسترس و کم‌هزینه تبدیل می‌شود. شما دیگر تصمیم‌گیرنده زندگی‌ات نخواهی بود. فال‌گیر ها حس فاعلیت و تشکرگریت را از دست گرفته و شما را به بیننده و شخصی منفعل تبدیل می‌کنند. به همین دلیل افرادی که در زندگی با سختی‌ها و موقعیت‌های دشوار روبه‌رو هستند، به شوق شنیدن آینده‌ای بدون مشکل به سراغ فال‌گیر ها می‌روند و با پرداخت هزینه‌ای، روایت آینده‌ای را می‌شنوند تا بتوانند وضعیتي که در آن قرار دارند را تسکین دهند.

«آینده‌فروشی، عامل جذب افراد

وقتی مشتری به سراغ فال‌گیر می‌آید، فال‌گیر خوب می‌داند که چگونه باید عمل کند. بسیاری از آن‌ها با صورت‌بندی سختی‌های گذشته، نوید عبور از مشکلات و سختی‌ها را می‌دهند. برخی دیگر از آن‌ها آینده را برای مشتری چالشی و تیره ترسیم می‌کنند تا میزان نگرانی و استرس فرد دو برابر بشود. در این لحظه است که فال‌گیر با پیشنهاد خرید خدمات و آپشن‌های بیشتر، مانند تاروت، رفع طلسم، شمع درمانی یا رفع بستگی و ... فرصت امکان تغییر سرنوشت را به مشتری می‌فروشد. این ترغذها، پس از کسب اعتماد اولیه رخ می‌دهد و سبب می‌شود مشتری به دنیایی پر پیچ و خم کشیده شود که برای داشتن آینده‌ای بهتر، باید آپشن‌های مختلف فال‌گیر را خریداری کند. این چرخه باعث می‌شود مشتریان، اطلاعات بیشتری از زندگی شخصی خود را با فال‌گیر در میان بگذارند و ارتباط عمیق‌تری شکل بگیرد. فال‌گیر ها در اینستاگرام و دیگر پلتفرم‌ها ابتدا با فعالیت رایگان، مخاطب جذب کرده و سپس با ارائه خدمات پولی، کسب درآمد می‌کنند. در واقع، با افزایش تعداد فالورها و اعتبار اجتماعی که در نهایت سرمایه مالی فال‌گیر ها نیز افزایش می‌یابد. این صفحات‌ها برای حفظ بقای خود با تولید محتوای جذاب، تبلیغات فریبنده و ارائه پیشنهاد‌های ویژه، کاربران را به خرید بیشتر و تعامل فعال‌تر ترغیب می‌کنند.